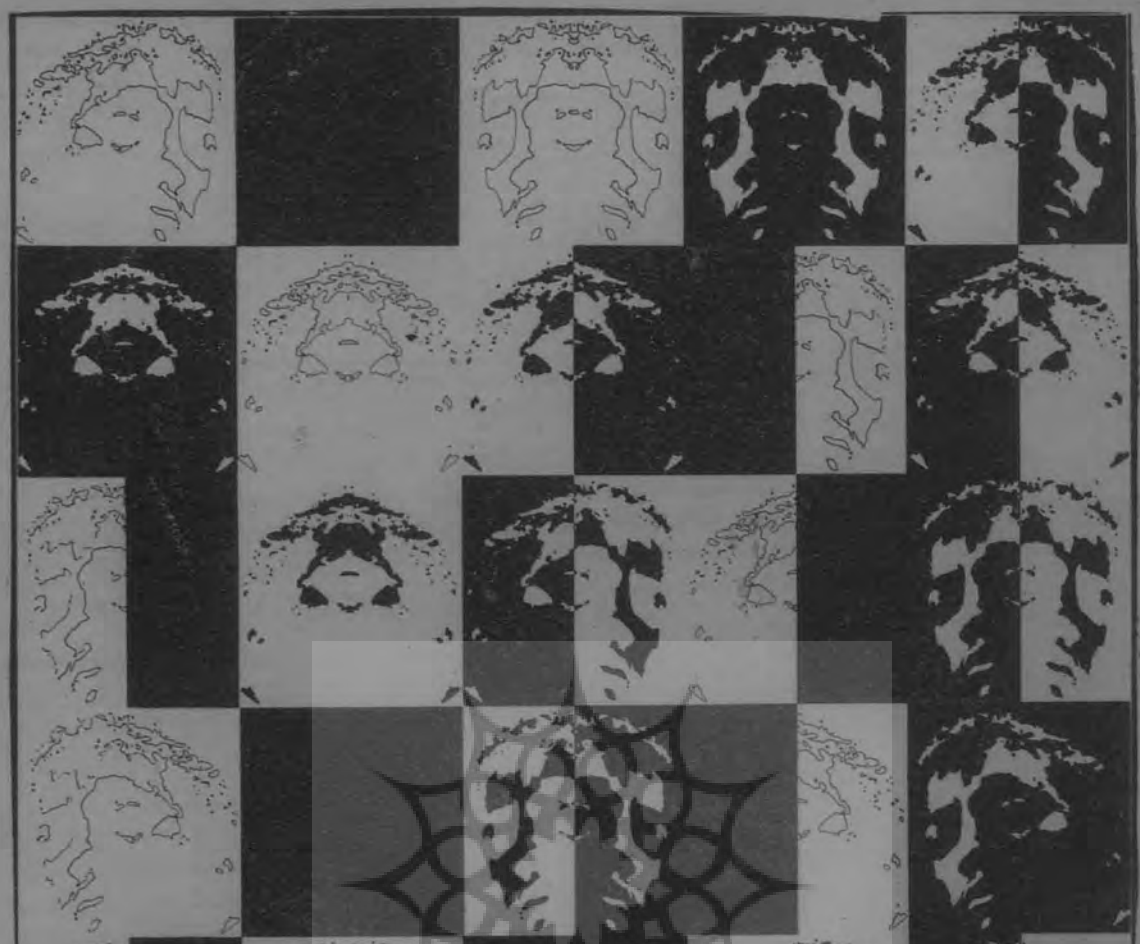

شارل وان‌هك (لوموند هفتگی)
ترجمه : غفار حسینی

سینمای برزیل

زیستن علیرغم کنترل

کارنکردن و زندگی خود را باقمار ، یا در رختخوابهای زنان آزاد و «بورژوا»ی کوپاکابانا گذراندن ونگاهی آزمندانه به‌چیزهای چشم‌نواز جهان انداختن ، خودرا از قید وبندهرگونه تعهد ، از قید خانواده ، اخلاقیات و وطن رهانیدن ، فیلم‌هوگوکاروانا آمیزه‌ای از همه اینها است . نام فیلم : « ولگرد برو کارکن » . ونیز چیزی ازهمه آنچه‌گفته شد در مجموع سینمای امروز برزیل‌وجود دارد .

سینمای نو یك سینمای سیاسی‌بود . جستجوئی بود برای رسیدن به قلب واقعیت ــ واقعیت تهیدستی وخفقان ــ در سرزمین برزیل . سینمای نو در جستجوها خودرا فرسوده است ،صنعت آنرا بلعیده و سانسور آنرا از هضم‌رابع گذرانده است . سرخوردگیهاو نومیدیهای سالهای ۷۰ جایگزین طرحهای کلی سالهای ۶۰ شده است .امروزه سینمای هرزگی جنسی (پرنو گرافی) یا بزبان بهتر ، سینمای‌شهوی ــ تجارتی است که بازار را اشغال‌کرده است . قانون‌شکنی آشکارجای خودرابه‌نوع دیگری ازقانون‌شکنی واگذار نموده که میتوان آنراقانون‌شکنی درجه دوم خواند . ژوزه کارلوس اولادر منقد سینمائی «ژورنال‌دوبرزیل » علت آنرا چنین توضیح می‌دهد :

«پرسوناژهای اصلی سینمای امروز ما ، همجنس‌بازان ، فاحشه‌ها ، باکره‌ها، وپیرمردان عنین هستند . محبوب‌ترین آنها لات ولگردی است که کار نمیکند، انگلی که زنان را اغوا میکند و تمام محرمات (تابوها) را نقض میکند و قوانین را زیرپا میگذارد . بازیگران نقش‌های شهوی باهمتایان خارجی خود که دربرزیل موفقیتی ندارند، متفاوتند،چرا که آنچه برای برزیلی‌ها خوشایند است وقاحت است .

ژوآخیم پدرودوآندراده ، کارگردان فیلم فراموش نشدنی ماکونه‌ایما (Macunaima) در این مورد چنین‌میگوید :

« ما وارد یك دوره خود ویرانگری (Autodestruction) شده‌ایم ، خود ویرانگری‌ایکه استعمارشدگان در مقابل پیشرفت استعمارگران خودرا تسلیم آن میکنند » ژوآخیم که یکی ازسرکردگان سینمای نو بود علت ازهم‌پاشیدگی جنبش را چنین‌توضیح میدهد:

« در آغاز ما همه در باره نقش خود ودرباره سینما یك عقیده ویك هدف داشتیم ، همه چپ‌گرا بودیم‌وحامل همه نارسائی‌ها و کمبودهائی‌که جناح چپ دارد . بدین معنی که ازاحساس برتری وقدرت سرشار بودیم و مسئولیتی را برعهده خود میدانستیم که‌در واقع برعهده ما نبود ، ودر نتیجه می‌خواستیم در فیلمهای خود نوعی‌پیوستگی سیاسی ایجاد کنیم ، چیزی که ما را محدود ومقید کرده بود وسرانجام ما را فلج کرد . ازهم‌پاشیدن وقطعه قطعه شدن جنبش‌ما ، ازهم‌پاشیدن‌وقطعه قطعه شدن دیگر جنبش های پس‌از ۱۹٦٤ ، وبه ویژه پس‌از ۱۹٦۸را بازتاباند .

امروز ما در اندیشه آنیم که خودرا از زیربار مسئولیت و تعهد رها کنیم . ما خودرا بدین قانع کرده‌ایم‌که فریادی بکشیم ، فریادی که با فریادهای دیگری که در هرج ومرج‌حاکم رها می‌شوند درآمیزد و رساتر شود .

روی‌گورا سازنده : (Os Fuzis, Os deuses et os mortos)
نلسون پریرادوس سانتوس : (Vidas secas, Como era gostoso o meu-frances)
گلوبرروچا :- (O deus e o diabo na terna do sol, Terra em transe)
کارلوس دیه‌گوس: (Os herdeiros)
ژوآخیم پدرودوآندراده : (Macunaima, Os inconfidentes)
لئون هیرزمان (Sao Bernardo) وسینماگران دیگری هستند که از نئورالیزم ایتالیا و موج نوی سینمای‌فرانسه الهام گرفتند و زمان اوج کار آنان درفاصله سالهای ۱۹٦۳ تا ۱۹٦۸بود . پیش‌از آنان سینمای برزیل در ابتذال غوطه می‌خورد و از واقعیت‌های‌موجود در جامعه برزیل چیزی نشان نمیداد . کمدی موزیکال (la chanchada) تولیدسینمائی را در اختیار گرفته بود . الگو های‌هالیوود الهام‌بخش تلاشهائی بود که درآغاز سالهای ۱۹۵۰ در سائوپولو ،برای نوسازی صنعت سینما بعمل می‌آمد .

یك دوربین فیلمبرداری ، یك اندیشه

طغیانهای سیاسی‌مردم در۱۹٦۰، به رهبری ژانیو گوادروس و پس از اوژواوگولارت توجه سینماگران رابه‌مردمان محروم کشوری جلب کردکه به‌گونه‌ای نابرابر توسعه یافته بود : درحواشی پرزرق وبرق ، اروپائی بود و درگستره درون مستعمره . دنیای‌حاشیه نشینان شهر ، (Favelas) گرچه نه‌چندان هوشمندانه ، کشف‌شدو پس‌از آن دنیای دهقانان شمال شرقی ، دهقانانی که هنوز طبق قوانین‌جامعه پدرسالاری زندگی میکردند ، ورنجیده‌ترین قشر آن را اتحادیه‌دهقانان فرانسیسکوژولیائو ، که اندیشه های ترقیخواهانه‌ای داشت ، کشف‌نمود.« یك دوربین در دست ویك اندیشه درسر » چنین بود اسبهب روشنفکران‌جوانی که به‌منظور کشف ملت خود وبا هدف دگرگون‌کردن زندگی‌او ، به‌سوی‌او رفتند . سبك خاصی که نشانه‌های ویژه آن قابلیت تجسم‌بخشیدن به‌زندگی‌وشکافتن دردناك‌آن‌ونیز تغزلی بی‌آهنك بود پدید آمد . این سبك تماشاگران‌بسیاری را جلب‌نکرد ، لیکن تماشاگران جدیدی را به‌سوی خود کشید .واینان‌جوانان دانشجو بودند . باید دانست که این سبك بیگانگانرا نیز شیفته‌کرد .

سینمای نو از فیلمهای تاریخی‌ای که برپیداری‌احساسات ملی وآگاهی عمومی تکیه میکند و افرادی مانندزومبی (Zumbi) رئیس بردگان‌یاغی، ولامپیائو (Lampiao) سرکرده‌ترقیخواهان در شمال شرقی وتیرادنتس (Tiradentes) قهرمان‌جنبش‌استقلال‌طلبانه‌ای را که سرکوب شد ، بعنوان قهرمان برمی‌گزینند ، استقبال میکند .

آیا برزیل ، این کشور وابسته، قربانی استعمار اقتصادی وفرهنگی ، سرانجام شخصیت خود را باز خواهدیافت ؟

نمایش جهانی فیلمهای سینمای‌نوی برزیل ، در واقع‌بزودی تولیدکنندگان را ناگزیر خواهد کرد که‌وارد مرحله صنعتی‌کردن سینما شده و عملا سینمای مولف را ، که ابزار ووسائل ناچیز ولی اندیشه‌های بسیار دارد ، نابود کنند .

درسال ۱۹٦۹ یك سازمان‌دولتی‌به‌نام « امبرافیلم » تشکیل شد وقسمت اعظم سرمایه‌گذاری درسینما و کمك‌مالی‌به‌سینماگران را ، البته نه چندان بی‌نظرانه به‌عهده گرفت .

سرانجام بازشدن‌مرزهای کشور به‌روزی سرمایه‌داری‌بین‌المللی«غیرملی» شدن بازار سینما را تسریع نمود وفیلمهای خارجی ، که بیشتر امریکائی بودند ، به گونه‌ای روزافزون به‌بازارهجوم آوردند .

وسترنهای نوع B فیلمهای پلیسی خودآزار ــ دیگر آزاری : (Sado-Masochistes) کمدیهای‌تنکه وزیرجامه‌ای (۱) پرده‌های سینما را دراختیار گرفتند و استودیو های‌فیلمسازی را به ساختن محصولات‌مشابهی برانگیختند . البته این ماجرا دردوره‌ای رخ میدهد که رژیم نظامی از اخلاق ، نزاکت و مسیحیت سخن‌میگوید و خود را مدافع آن‌میداند. در اصل ، زبان نمایش بیشتر به‌فیلمهای‌برزیلی اختصاص دارد . اما درحقیقت فیلمهای خارجی برای توزیع‌کنندگان‌جاذبه بیشتری دارند . چرا که بعلت توزیع بین‌المللی سرمایه اولیه اینگونه‌فیلمها بزودی مستهلك میشود وازاینرو درمقایسه با فیلمهای برزیلی بسیارارزانترند . بازار برای فیلمهای‌خارجی سازمان یافته است و نتیجه این امر بی‌اعتنائی به‌دستگاه پخش‌صدا درسالنهای سینما است . تماشاگر برزیلی به‌خواندن‌زیرنویسهای فیلمهای خارجی قانع شده چرا که صدای فیلمهای برزیلی، به‌علت‌مذکور دربالا ، اغلب غیرقابل شنیدن است .

کاه‌چاندن درپوست مردگان

کارلوس دیه‌گوس می‌گوید : « ما در سرزمین خودمان بیگانه‌ایم . گاوچران (کابوی) بیش ازکانگاسیرو(پرسوناژ Sertao شمال‌شرقی‌برزیل که ماجراجوتراز قهرمانان وسترن‌است)وارد دنیای فرهنگی ما شده است .

بدینسان تمام کوشش سینماگران برزیل صرف آن میشود که سرزمین خودرا « دوباره کشف کنند»،وازتناقضات سیستمی که خودکامه، ودر عین حال اخلاق‌گراست بهره‌برداری‌نمایند . رژیم مذکور که از موج خیزان شهوت گرائی (erotisme) بازاری شده چندان راضی نیست ، فیلمهای با آرزش را تشویق میکند ،اما این تشویق به‌محافظه‌کارترین شیوه ممکن انجام میشود : اولویت‌بخشیدن‌به‌فیلمهائی که براساس آثار بزرگ‌ادبی گذشته ساخته میشوند. پدرودوآندرادهدراین مورد چنین میگوید :

« این ، گونه‌ای تصور موزه شناسانه از سینما است. آنان از ما میخواهند که در پوست مردگان‌خودکاه بچپانیم » .

اما شاهکارهای ادبی گذشته ، نظرادن و سخن‌گفتن درباره زمان حال را امکان پذیر می‌سازد . ماکونه‌ایما (Macunaima) در ۱۹۲۸ به وسیله ماریواندراده (Mario Andrade) نوشته شد . هنگامیکه برپرده سینما منعکس شد ، بی‌آنکه بیننده فیلمزحمت‌خواندن کتاب را به خود داده باشد ، نشان میداد که ، « قهرمان بی‌چهره »کتاب که از سرزمین بومی سرخپوستی خود می‌آید ، چگونه به‌وسیله سرمایه‌داری صنعتی بلعیده‌میشود . سائوبرناندو (Sao Bernando) اثری که گراسی لیانو در ۱۹۳۳ نوشته و چاپ کرده بود ، اعمال غیرانسانی یك‌بزرگ‌مالك فازندا (Fazenda) را برملا میکرد . فیلم این کتاب ، زمان حال‌را چنان بازتاباند بود که اثرهیرسزمان (Hirszman) چند ماه از طرف‌سانسور اجازه نمایش نیافت . با اینهمه جابجاکردن زمان و مکان یك خطردربردارد : هنگامیکه با طنز واستهزاء شاعرانه (درماکونه‌ایما) ویا باشفافیت‌گفتار (درسائوبرناردو) فیلم رانمیتوان (از سقوط) نجات‌داد، فیلمها به‌دشواری‌میگرایند و واقعیت را کمتر لمس میکنند .

بقیه درصفحه ٥٦

انقلاب کینزی (بقیه)

آن را جزء به‌جزء بررسی و مشاهده کنیم ، کاری‌که برك* با این عبارت بیان کرد « یکی از ظریفترین مسایل قانونگذاری ، یعنی تعیین کردن آنچه دولت باید برعهده خود بگیرد تا با حکمت عمومی رهبری شود و تعیین کردن آنچه با کمترین مداخله ممکن ، به‌اقدام فرد واگذارشود.»

ما بایستی میان آنچه بنتام (**) در فهرست فراموش‌شده ولی مفیدخود، «شدنی۳۰» و « ناشدنی۳۱» نامید فرق بگذاریم واین کار رابایدبدون پیش‌فرض بنتام انجام داد که مداخله را « معمولا غیر ضروری» ودر عین حال « معمولا زیان‌آور می‌دانست . ۳۲».

---

* فصلی دیگر ازکتاب منتشرنشده‌ی « فلسفه اقتصادی »

** وقتی‌این مطلب رابه‌نویسنده حاضر که اصول اقتصاد پیش از کینز را نزد خود آنها آموخته است ، می‌گویند درموضع بسیار ضعیفی قرار دارند.

*** لوید جرج (Loyd George 1863-1945) سیاستمدار ونخست‌وزیر انگلیسی در سالهای ۲۲–۱۹۱۶ — م .

1- The Keynesian Revolution

2- General Theory

3- Memorandum on Certian Proposals Relating to Unemployment, Cmd. 3881

4- Memorandum on Certain Proposals Relating to Unemployment, p. 47

5- Essay in Persuasion, p. 321

6- Wertfrei

7- Positive

8- Normative

9- Moralizer

10- General Theory, p. 213

11- Econometrics

12- Koynes, J.M. How to Pay for the War, Masmillan and Co., London, 1940.

13- Erwin Rothbarth

14- Thesis

15- Treatise on Money, Vol. II, p. 154

16- General Theory, p. 129

17- The iCty of London

18- Timeless Multiplier

18- Timeless Multiplier

19- General Theory, p. 122

20- Sir Dennis Robertson

21- H.G. Johnson. Some Cambridge Controversies on Monetary Theory, Review of Economic Studies, 1951-2, XIX (2) 49.

22- Stock of Waiting

23- Gerald Shove

24- Economica, May 1936

* نگاه کنید به :

Keynes's a General Theory, A Retrospective View"

25- Simple Reproduction

26- Peter Wiles, "Are Adjusted Roubles Rational?" Soviet Studies, Oct. 1955,p. 144.

27- Principle, Appendix H.

28- Principles, p. 347

29- Lectures on Economic Principles, Vol. I, p. 95

* ادموندبرك (۱۷۹۷ — ۱۷۲۹) Edmond Burke سیاستمدارو خطیب مشهور انگلیسی

** جرمی‌بنتام (۱۸۳۲ — ۱۷٤۸) Jeremy Bentham فیلسوف و دانشمند سیاسی‌انگلیسی

30- Agenda

31- Non-Agenda

32- Essays in Persuasion, p. 311-313.

سینمای برزیل (بقیه)

برای سینماگرانی‌که می‌خواهندازجامعه معاصر برزیل سخن بگویند ودرضمن پیوند خودرا با تماشاگران‌حفظ کنند ، سینمای فتق وفجور راه دیگری است که بتازگی کشف شده‌است . نتایج ، البته همواره دلخواه نیست . چنانکه فیلم « برهنگی‌مجازات‌دارد » آرناللدوژابر نشان‌داد .

اما با دیدن فیلمهائیکه خنده‌های استهزاء آمیز تماشاگران را سبب میشود ، مانند فیلمهای هوگوکاروانا ،میتوان امیدوار بودکه طنز (کاریوکائی) از Rio) میتواند نمایشهای خنده‌دارعامیانه را به‌شادمانی آزادیبخشی تبدیل کند .

آزمایشهای دشواری که تازه‌کاران سینما باید از سر بگذرانند و نارسائیهائی که سینمای امروز برزیل‌دارد ، مبین اوضاع واقعی کشوری‌است که در آن محدودیت های خاص وجوددارد ، جائیکه عده معینی به‌گونه‌ای منظم وپی‌گیر از آگاهی یافتن مردم‌جلوگیری میکنند و همه‌چیز فدای‌آئین سوداگری کالا شده است . با اینهمه،سینمای برزیل ، گوئی با کمك‌معجزه، هنوز زنده است .

برای اینکه بدانیم در زیرقشر یخ خودکامگی جوش و خروش ادامه دارد ، که برزیل ، چیزی‌ازشور شگرف زیستن خود را از دست نداده است ، که این کشور همیشه باشگفت‌ترین ، ونامفهوم‌ترین صداها ، خودرا نمایانده است ، تنها چند اثرهنری ، چند انسان بسنده است.

---

۱ ــ Calçonières ظاهرا منظور آن فیلمهای وسترنی است که حضرت آرتیست با تفنگ وارد کافه یااطاق تعویض لباس رقاصخانه میشود و زنها که تنگه وزیرپوشهای کوتاه به‌تن‌دارند ، هراسان می‌شوند وسعی‌میکنند خود را درگوشه‌ای پنهان کنند ، یا بدن‌نیمه برهنه خودرا با چیزی‌بپوشانند .

چشم‌اندازی از واقعه ۲۱ آذر

چشم‌انداز وقایع گذشته تاریخی‌غالبا برای نسل‌های بعد آموزنده و عبرت‌انگیز است وبهمین جهت کتابهائی‌ازاین دست بخصوص آنها که حاوی خاطراتی از لحظات حساس وتاریک ملت‌است همیشه بااقبال صاحب‌نظران و علاقمندان به‌تاریخ روبرو میشود .یکی از اینگونه آثار که اخیرا منتشر شده کتابی است بقلم مرتب احمدزنگنه درباره وقایع آذربایجان در سالهای ۱۳۲۵ و ۱۳۲۵ ، وبرای کسانیکه‌شاهد آن رویداد حساس و خطیر نبوده‌اند حاوی نکات جالب خاطر وخواندنی و پرجذبه‌ای است . کتاب با نقل شمه‌ای ازحوادث مربوط به هجوم‌قوای‌بیگانه درسوم‌شهریور به‌آذربایجان شروع میشود وقسمتی از مشاهدات وفداکاریهای شخصی‌نویسنده وهمقطاران وی را درآن ایام تلخ بازگو میکند واز مقاومت مردان میهن‌پرست دربرابر مهاجمان خارجی شرحی تکان‌دهنده‌بدست میدهد وسپس به‌چگونگی واقعه ۲۱ آذر سال ۱۳۲٤ و درگیریهای‌اسف‌بار وناگوار آن زمان که سرانجام به‌پیروزی وطنخواهان‌ونجات‌آذربایجان‌از یوغ‌بیگانگان منجرمیشود میپردازد. مطالعه این‌کتاب را به‌علاقمندان توصیه‌می‌کنیم .